

ویژگی‌های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سرشماری ۱۳۸۵

رسول صادقی

دانشگاه تهران

چکیده: پایه و اساس مدیریت و سیاست‌گذاری مهاجرتی، به‌ویژه مهاجرت بین‌المللی، شناخت علمی پدیده‌ی مهاجرت و ویژگی‌های مهاجران می‌باشد. چنین دانش و شناختی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، علی‌رغم وجود اشکالاتی نظیر کم‌شماری، عمدتاً از طریق سرشماری‌های جمعیتی حاصل می‌شود. با این حال، علی‌رغم تاریخچه‌ی طولانی و حجم بالای حرکات مهاجرتی و پناهندگی از کشورهای همسایه به ایران و پیامدهای آن برای جوامع مبدأ، مقصد و حتی خود مهاجران، تا کنون ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی بر اساس داده‌های سرشماری ارائه و تحلیل نشده است. بر این اساس، این مقاله به بررسی یکی از ابعاد وضعیت مهاجران خارجی در ایران یعنی مشخصه‌های جمعیت‌شناختی بر مبنای تحلیل داده‌های خام سرشماری ۱۳۸۵ می‌پردازد.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که نسبت‌های جنسی بالا، سطح باروری بالاتر از جمعیت بومی، ساختار سنی جوان، جمعیت در حال افزایش نسل دوم مهاجران، تمرکز جغرافیایی و... از ابعاد و ویژگی‌های مهم جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی می‌باشد. البته، علی‌رغم این وضعیت کلی که بسیار متأثر از مشخصه‌های مهاجران افغان در ایران می‌باشد، گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران از بافت و ترکیب جمعیت‌شناختی متفاوتی برخوردارند. همچنین نتایج بررسی نشان می‌دهد گرچه مهاجران دارای مشخصه‌های جمعیتی متفاوت‌تری از جمعیت بومی هستند، ولی تعداد آن‌ها به اندازه‌ی کافی بزرگ نیست تا اثر قابل ملاحظه‌ای بر ساختار سنی و سایر ابعاد جمعیت‌شناختی جمعیت ایران داشته باشد.

واژگان کلیدی: مهاجرت بین‌المللی؛ پناهندگان؛ تابعیت؛ سرشماری؛ ساختار سنی؛ نسل دوم.

دریافت: ۱۳۸۸/۱/۱۷، پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۴

۱- مقدمه

مهاجرت و حرکات جمعیتی بین مرزها، گرچه سابقه‌ی دیرینه به پهنای تاریخ بشر دارند، اما در نیم‌قرن اخیر است که حجم و میزان آن افزایشی سریع و مطالعه‌ی آن اهمیت فزاینده‌ای یافته است. بر این اساس، برخی محققان برجسته‌ی این حوزه نظیر کلمن [۱۹] به وقوع سومین انتقال جمعیت‌شناختی (Third Demographic Transition) و نقش برجسته‌ی مهاجرت‌های بین‌المللی در تغییر بافت و ترکیب جمعیتی کشورها پرداخته و کاستلز و میلر [۱۸] نیز به نام‌گذاری عصر جدید تحت عنوان عصر مهاجرت (The Age of Migration) اشاره داشته‌اند.

بنا بر این، امروزه مهاجرت بین‌المللی به یک موضوع مهم و عمده در مباحثات و سیاست‌های عمومی در عرصه‌ی بین‌المللی و داخلی تبدیل شده است. در عرصه‌ی بین‌المللی، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیادی فعالیت‌های خود را معطوف به این حوزه کرده‌اند. در عرصه‌ی داخلی نیز سیاست مهاجرتی به یکی از ابعاد و انواع سیاست‌گذاری‌های کلان کشورها تبدیل شده است که دولت‌ها متکفل و متولی آن می‌باشند. پایه و اساس سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی (مبحثی که در سال‌های اخیر در ایران مطرح و مورد توجه قرار گرفته است)، داده‌ها و تحلیل‌های مهاجرتی می‌باشد. در حقیقت وجود داده‌های خوب و تحلیل‌های مناسب، نقش کلیدی و محوری در فرایند سیاست‌گذاری ایفاء می‌کند. زیرا همان‌طور که کریتز [۲۳] بیان می‌کند یک نظام سیاست‌گذاری ملی بایستی مبتنی بر تعاملات تجربه‌ی مهاجرتی، داده‌ها و تحلیل‌های مهاجرتی، و سیاست‌گذاری مهاجرتی باشد.

از این رو، امروزه در مدیریت و سیاست‌گذاری مهاجرتی اصل اساسی این است که ابتدا باید پدیده‌ی مهاجرت را درک و ویژگی‌های مهاجران را شناخت. اما پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که چنین دانش و شناخت مهاجرتی چگونه حاصل می‌گردد؟ در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران که با عدم وجود سازمان و نهاد مهاجرتی (که مسئول تولید داده‌های مهاجرتی و ثبت ویژگی‌های مهاجران باشد) مواجه‌اند، مهم‌ترین منبع آماری درباره‌ی مهاجران خارجی و ویژگی‌های آن‌ها، علی‌رغم

وجود اشکالاتی نظیر کم‌شماری، سرشماری‌های جمعیتی می‌باشد. با این حال، در نتایج سرشماری‌های جمعیتی ایران فقط آمارهایی کلی در خصوص حجم مهاجران خارجی منتشر شده است و همان‌طور که زنجانی [۹] بیان می‌کند یکی از موارد بارز نقص داده‌های سرشماری‌های ایران در زمینه‌ی مهاجران خارجی، محدود بودن اطلاعات جمعیتی آن‌ها می‌باشد. با توجه به این خلأ تحقیقاتی، هدف این مقاله بررسی مشخصه‌های جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی در ایران بر مبنای تحلیل داده‌های خام سرشماری ۱۳۸۵ می‌باشد.

۲- ملاحظات نظری

در تحلیل تئوریکی جریان مهاجرت‌های خارجی می‌توان تئوری‌های مطرح شده را در دو دسته‌ی از هم متمایز و بررسی کرد. دسته‌ی اول، تئوری‌های تبیینی و تحلیلی فرایند مهاجرت هستند که خود شامل چهار رویکرد اقتصادی، تاریخی- ساختاری، نهادی- سیاسی و نظام‌های مهاجرتی می‌باشند. برخی از این رویکردها، آغاز و برخی دیگر تداوم جریان مهاجرتی را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند. «رویکرد اقتصادی نئوکلاسیک» در تحلیل مهاجرت بر نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق مبدأ و مقصد، که توسط کنشگران عقلانی که به دنبال حد اکثر سود و فایده هستند ارزیابی می‌شود، متمرکز است. «رویکرد تاریخی- ساختاری» که ریشه‌های فکری آن برگرفته از اقتصاد سیاسی مارکسیستی و تئوری نظام جهانی می‌باشد، مهاجرت را به‌عنوان پدیده‌ای می‌داند که منحصرأ در پاسخ به شرایط ساختاری ایجادشده در بستر تاریخی، صورت می‌گیرد. در «رویکرد نهادی- سیاسی»، بر نقش دولت‌ها و عوامل سیاسی در جریان مهاجرت‌های بین‌المللی تأکید می‌شود. «رویکرد نظام‌های مهاجرتی»، که رویکرد جدیدی در مطالعات مهاجرتی است تلاش می‌کند با دیدگاهی جامع و بین رشته‌ای تمامی ابعاد و سطوح خرد تا کلان تجربه‌ی مهاجرتی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. این رویکرد تئوریکی نشان می‌دهد که حرکات مهاجرتی معمولاً ناشی از وجود روابط پیشین بین کشورهای فرستنده و دریافت‌کننده مهاجران بر مبنای تجربه‌ی استعمار، نفوذ سیاسی، تجارت،

سرمایه‌گذاری، پیوندهای فرهنگی و شبکه‌های مهاجرتی می‌باشد ([۱۸]، [۲۱]، [۲۵] و [۲۶]). دسته‌ی دوم تئوری‌های مهاجرتی، رویکردهای تبیین‌کننده‌ی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران در جامعه‌ی مقصد می‌باشد. در قالب این دسته، می‌توان به «تئوری کلاسیک همانندی»، «تئوری همانندی بخشی» و «تئوری تکثرگرایی فرهنگی» اشاره کرد، این تئوری‌ها به تبیین وضعیت و شرایط مهاجران در جامعه‌ی میزبان و استراتژی‌های سازگاری آن‌ها می‌پردازند [۱۰].

با توجه به ادبیات تئوریک موضوع، بررسی مشخصه‌های جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی در جامعه‌ی میزبان از اهمیت زیادی در تحلیل‌های مهاجرتی برخوردار است. زیرا بر مبنای آن‌ها می‌توان جهت و شدت تأثیرگذاری‌ها و پیامدهای مهاجرت را در جامعه‌ی میزبان تبیین کرد.

۳- پیشینه‌ی تحقیق

مهاجرت بین‌المللی یکی از حوزه‌های مطالعاتی رو به گسترش در اغلب کشورها به‌ویژه جوامع مهاجر پذیر می‌باشد، تا جایی که برخی از محققان این حوزه [۱۸]، عصر جدید را به‌عنوان عصر مهاجرت نام‌گذاری نموده‌اند. علی‌رغم اهمیت مطالعه‌ی این حوزه، در ایران به‌عنوان کشوری که در طول سه دهه‌ی اخیر شاهد پذیرش حجم بالای مهاجرتی از کشورهای همسایه بوده است، مطالعات اندکی صورت گرفته است. این مطالعات اندک، اغلب به‌صورت پراکنده و موردی به بررسی وضعیت مهاجران خارجی در ایران به‌ویژه مهاجران افغان در ابعاد فرهنگی و مردم‌شناسی [۱۱]، حقوقی [۵] و [۶]، بهداشت باروری و تنظیم خانواده [۳] و [۲۷]، بیماری‌شناختی [۱۵]، آسیب‌شناسی اجتماعی [۷]، بازگشت و عوامل مؤثر بر آن [۴]، نسل دوم مهاجران [۱۷]، تأثیرات حضور آن‌ها بر اقتصاد ایران [۱۳]، فقر و اشتغال مهاجران [۱۲] پرداخته‌اند. دو مطالعه نیز به بررسی وضعیت مهاجران افغان بر اساس داده‌های طرح شناسایی اتباع خارجی ۱۳۸۲ [۱] و ۱۳۸۴ [۱۶] پرداخته‌اند. با این حال، هنوز مطالعه‌ای در زمینه‌ی بررسی وضعیت جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی در

ایران بر مبنای داده‌های سرشماری، به عنوان منبع آماری نسبتاً دقیق درباره‌ی مهاجران، صورت نگرفته است.

۴- روش تحقیق

وضعیت مهاجران خارجی را می‌توان با استفاده از منابع متنوعی از داده‌ها نظیر سرشماری‌های ملی، آمار مرزی، دفاتر ثبت جمعیت و سایر سوابق اداری، تحلیل و بررسی کرد. علی‌رغم این تنوع منابع داده‌ای، داده‌ها و اطلاعات درباره‌ی مهاجران خارجی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به ندرت جمع‌آوری شده و معمولاً برای اهداف اندازه‌گیری و تحلیلی ناکافی هستند. با این حال، همان‌طور که اسکلدون [۲۸] بیان می‌کند سرشماری‌های جمعیتی، منبع اصلی داده‌ای درباره‌ی مهاجرت بین‌المللی در اکثر کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند.

علاوه بر مشکل داده و اطلاعات درباره‌ی مهاجران خارجی، معمولاً سنجش آن نیز با مسائلی مواجه بوده و در این زمینه تعاریف و ملاک‌های متفاوتی ارائه شده است. سرشماری‌ها معمولاً از دو ملاک محل تولد و تابعیت برای سنجش و اندازه‌گیری تعداد و ویژگی‌های مهاجران خارجی استفاده می‌کنند. به کارگیری هر کدام از این شاخص‌ها و ملاک‌ها می‌تواند تصویری متفاوت از حجم و ترکیب مهاجران خارجی به دست دهد. بر این اساس، «در عمل محققان و مسئولان تمایل دارند که مهاجرت را در ارتباط با اهداف خود تعریف کنند» [۱۴].

استفاده از شاخص محل تولد، برای اندازه‌گیری مهاجرت طول عمر و برآورد جمعیت متولد خارج مفید می‌باشد. با این حال، به کارگیری چنین ملاکی در اندازه‌گیری و تحلیل مهاجرت خارجی، اطلاعات و شناخت در مورد جابه‌جایی‌های واسط را حذف می‌کند. همچنین همان‌طور که گرام هوگو [۲۲] بیان می‌کند مسئله‌ی مهمی که پرسش کشور محل تولد در سنجش مهاجرت خارجی دارد، این است که با آن فقط می‌توان مهاجران نسل اول (First Generation Migrants) را مشخص کرد و بنا بر این جمعیت نسل دوم (Second Generation Migrants) و نسل‌های بعدی از آمارها و تحلیل‌ها حذف می‌شود. علاوه بر این‌ها، داده‌های جمع‌آوری‌شده بر اساس محل تولد، جمعیت بومی را که

در خارج از کشور متولد شده‌اند (برای مثال، فرزندان متولد شده خارج از کشور ایرانیان مهاجر بازگشته به کشور) را به عنوان جمعیت خارجی محسوب می‌کند. ملاک دیگر تعریف و سنجش مهاجرت خارجی که در این مقاله به کار گرفته شده، تابعیت (Nationality) و شهروندی می‌باشد [۲۰]. این پرسش مسائل و مشکلات گفته‌شده‌ی شاخص محل تولد را ندارد و داده‌های به دست آمده از آن، شامل نسل‌های دوم و بعدی مهاجران نیز می‌شود که در جامعه‌ی میزبان متولد شده‌اند. البته این ملاک همان‌طور که هوگو [۲۲] بیان می‌کند افراد مهاجری را که بعدها تابعیت و شهروندی کشور میزبان را به دست آورده‌اند نادیده می‌گیرد. با این حال این ملاک در کشورهایی نظیر ایران که تابعیت بر اساس اصل خاک (تولد در قلمرو سرزمینی یک کشور) به آسانی به مهاجران اعطا نمی‌گردد و در این زمینه قوانین محکم و سختی وجود دارد، می‌تواند به عنوان شاخصی برای برآورد نسبتاً دقیق مهاجران خارجی مورد استفاده قرار گیرد. در ایران اعطای تابعیت فقط به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و آن هم فقط به فرزندان بالای ۱۸ سال و بر اساس شرایط تعیین شده‌ای مانند تقاضای کتبی خود افراد برای تابعیت در ایران، اعلام گواهی عدم سوء پیشینه‌ی کیفری و تأیید مراجع ذی صلاح امنیتی و انتظامی و ... صورت می‌گیرد.

بدین ترتیب، ملاک سنجش و تحلیل مهاجران خارجی در این مقاله، تابعیت خارجی داشتن افراد بوده است. روش تحقیق مورد استفاده، تحلیل ثانویه (Secondary Analysis) داده‌های خام سرشماری ۱۳۸۵ می‌باشد. در سرشماری ۱۳۸۵ مهاجران خارجی بر اساس تابعیت مشخص شده‌اند و پرسش اقلام مختلف سرشماری از آن‌ها، این امکان را برای ما فراهم می‌کند تا با تحلیل این داده‌ها به ارائه‌ی تصویری از مشخصه‌های جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی و بررسی ابعاد مختلف آن بپردازیم. البته بایستی به این نکته اذعان داشت که نقطه‌ی ضعف اصلی داده‌های موجود، کم‌شماری و یا خود را ایرانی معرفی کردن برخی اتباع خارجی (به‌ویژه مهاجران غیر قانونی) می‌باشد.

۵- یافته‌ها و نتایج

یکی از ابعاد مهم مورد بررسی در مطالعه‌ی وضعیت مهاجران خارجی، شناخت ویژگی‌ها و ابعاد جمعیت‌شناختی آن‌ها می‌باشد. بر همین اساس، در این بخش از مقاله به ارائه‌ی مشخصه‌های جمعیتی مهاجران خارجی شامل حجم و اندازه، ترکیب جنسی و ساختار سنی، توزیع جغرافیایی جمعیت مهاجر خارجی در داخل کشور، پویایی مهاجرتی آن‌ها، و رفتار باروری زنان مهاجر در ایران بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ می‌پردازیم.

۱-۵- جریان و حجم جمعیت مهاجر خارجی در ایران

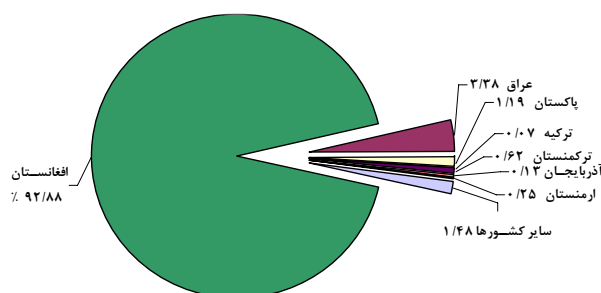
بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، تعداد ۱ میلیون و ۳۰۴ هزار و ۱۶ نفر مهاجر (تبعه) خارجی در ایران وجود داشته که حدود ۱/۸۴ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. همچنین در این سرشماری، تعداد ۲۹۰ هزار نفر نیز تابعیت خود را اعلام نکرده‌اند که به احتمال زیاد این افراد، عمدتاً مهاجران غیر قانونی در ایران بوده‌اند.

مقایسه‌ی تعداد مهاجران (اتباع) خارجی در سرشماری ۱۳۸۵ (۱/۳ میلیون نفر) با سرشماری ۱۳۷۵ (۱ میلیون نفر)، بیانگر افزایش تعداد مهاجران خارجی در ایران در دهه‌ی اخیر می‌باشد. البته اشتباهات مربوط به اعلام نادرست تعداد مهاجران و کم‌شماری‌های رایج در یکی از سرشماری‌ها، تحلیل و مقایسه‌ی تغییرات جمعیت خارجی از یک سرشماری به سرشماری دیگر و استنباط درباره‌ی تغییرات واقعی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و نمی‌توان با اطمینان درباره‌ی افزایش یا کاهش تعداد مهاجران خارجی صحبت کرد.

در میان جمعیت مهاجر خارجی در ایران سهم مهاجران و اتباع کشور افغانستان بسیار قابل توجه است. این مهاجران که از زمان حضور آن‌ها در ایران بیش از یک ربع قرن می‌گذرد، در این سرشماری جمعیتی برابر با ۱,۲۰۶,۱۰۷ نفر داشته‌اند که معادل ۹۲/۸۸ درصد جمعیت مهاجر خارجی در ایران می‌باشد. بعد از مهاجران افغان، مهاجران عراقی هستند که با جمعیت ۴۳,۸۱۰ نفر، ۳/۳۸ درصد از جمعیت مهاجر خارجی در ایران را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این‌ها، تعدادی نیز مهاجر (اتباع) خارجی از کشورهای

پاکستان (۱۴,۹۲۶ نفر)، ترکمنستان (۷,۹۹۳ نفر)، ارمنستان (۳,۲۵۳ نفر)، آذربایجان (۱,۵۷۸ نفر)، ترکیه (۸۳۲ نفر) و سایر کشورها (۱۸,۱۹۴ نفر) در ایران حضور داشته و مورد سرشماری قرار گرفته‌اند.

از این رو، ایران یکی از کانون‌های عمده‌ی جریان مهاجرتی و پناهندگی از کشورهای افغانستان و عراق بوده است. اتباع این دو کشور ۹۶ درصد مهاجران خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند. مهاجرت از افغانستان بزرگ‌ترین موج مهاجرتی چند دهه‌ی اخیر در جهان بوده است. در طول دوره‌ی ۱۳۵۸-۱۳۸۰، حدود ۳۰ درصد از جمعیت افغانستان، کشور خود را ترک گفته‌اند و ایران یکی از کشورهای عمده‌ی پذیرای آن‌ها بوده است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۸ (هم‌زمان با دوران جنگ مجاهدین افغان با ارتش شوروی)، حدود دو میلیون افغان به ایران وارد شدند. در سال ۱۳۶۸ ارتش شوروی خاک افغانستان را ترک کرد و با تشکیل دولت اسلامی در افغانستان، ایران که خود با مشکل بیکاری دست به گریبان بود، با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برای بازگشت پناهندگان افغان اقدام کرد [۱۳]. در نتیجه حدود یک میلیون پناهنده‌ی افغان به کشور خود بازگشتند، ولی با شروع جنگ میان گروه‌های مختلف اسلامی و تسلط طالبان، موج جدیدی از خشونت و قوم‌کشی در افغانستان آغاز شد و در نتیجه پناهندگان سابق به‌همراه شمار کثیری از پناهندگان جدید، به‌صورت غیر قانونی، وارد ایران شدند [۲۴]. بر این اساس، تعداد پناهندگان افغان در ایران در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۷۰ حتی به حدود سه میلیون نفر رسید. حکومت طالبان در آذرماه ۱۳۸۰ (نوامبر ۲۰۰۱) سقوط کرد و مجدداً



شکل ۱- توزیع درصدی جمعیت مهاجران خارجی در ایران برحسب تابعیت، ۱۳۸۵

بحث بازگشت مطرح شد. از ابتدای برنامه‌ی بازگشت داوطلبانه‌ی پناهندگان تا ابتدای سال ۲۰۰۷، حدود ۱,۶۴۳,۴۹۱ پناهنده‌ی افغانی از ایران به کشور خود بازگشته‌اند و در نتیجه تعداد مهاجران افغان در ایران کاهش یافته و بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، به ۱/۲ میلیون نفر رسیده است. البته برخی برآوردها [۲]، بیانگر حضور ۲/۵ میلیون نفر مهاجر افغان (۱ میلیون نفر مهاجر قانونی و ۱/۵ میلیون نفر غیر قانونی) در کشور می‌باشد. اتباع عراقی گروه عمده‌ی دیگری از مهاجران خارجی در ایران می‌باشند. تعداد اتباع عراقی در سال‌های اخیر به جهت فرایند بازگشت به کشورشان همواره رو به کاهش بوده و از ۶۱۳ هزار نفر سال ۱۳۷۳ به ۴۴ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. به‌ویژه در فاصله‌ی زمانی نوامبر ۲۰۰۳ و دسامبر ۲۰۰۵ حدود ۱۴۶,۶۹۲ عراقی به کشور خود بازگشتند.

بدین ترتیب، جنگ، ناپایداری سیاسی، عدم امنیت، تضادهای قومی، فقر و فشارهای اقتصادی موجب شکل‌گیری روندها و الگوهای مهاجرتی پناهندگی از کشورهای همسایه به ایران بوده و ایران را تبدیل به یکی از کانون‌های عمده‌ی پناهنده‌پذیر جهان کرده است. البته همان‌طور که کاستلز و میلر [۱۸] اشاره کرده‌اند، سیاست پناهندگی ایران در طول دهه‌ی ۱۳۷۰ از سیاست پذیرش به سیاست مداخله‌ی فعال برای جلوگیری از جریان‌های مهاجرتی یا حفظ آن‌ها در مرزها، و سپس در دهه‌ی ۱۳۸۰ به‌ویژه در مورد پناهندگان افغان به سیاست بازگشت تغییر یافته است. تحمیل هزینه‌های سنگین پناهندگان بر دولت ایران نقش عمده‌ای در این تغییر سیاست داشته است. با این حال، جنگ طولانی، عدم امنیت، مین‌های خنثی نشده، اقتصاد در هم شکسته، مسئله‌ی نسل دوم و انطباق و سازگاری آن‌ها با جامعه‌ی ایران و ... مانع بازگشت مهاجران افغان به کشورشان شده است.

۲-۵- ترکیب جنسی مهاجران خارجی در ایران

جنسیت از جمله متغیرهایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان‌های مهاجرتی دارد. از این‌رو، درک تأثیر مهاجرت متمایز شده بر حسب جنس در مطالعات مهاجرتی مهم است. بررسی ترکیب جنسی مهاجران خارجی نشان می‌دهد که ۵۴/۸ درصد مهاجران خارجی در

جدول ۱- توزیع و ترکیب جنسی مهاجران خارجی در ایران بر اساس تابعیت، ۱۳۸۵

نسبت جنسی S.R	درصد		تعداد		هر دو جنس	تابعیت
	زنان	مردان	زن	مرد		
۱۲۰/۸	۴۵/۳	۵۴/۷	۵۴۶۲۶۵	۶۵۹۸۴۲	۱۲۰۶۱۰۷	افغانستان
۱۱۳/۳	۴۶/۹	۵۳/۱	۲۰۵۳۸	۳۳۲۷۲	۴۳۸۱۰	عراق
۱۳۱/۲	۴۳/۲	۵۶/۸	۶۴۵۵	۸۴۷۱	۱۴۹۲۶	پاکستان
۱۱۶/۷	۴۶/۲	۵۳/۸	۳۸۴	۴۴۸	۸۳۲	ترکیه
۱۰۱/۶	۴۹/۶	۵۰/۴	۳۹۶۴	۴۰۲۹	۷۹۹۳	ترکمنستان
۹۳/۶	۵۱/۶	۴۸/۴	۸۱۵	۷۶۳	۱۵۷۸	آذربایجان
۱۵۲/۲	۳۹/۷	۶۰/۳	۱۲۹۰	۱۹۶۳	۳۲۵۳	ارمنستان
۱۶۵/۳	۳۷/۷	۶۲/۳	۶۸۵۷	۱۱۳۳۷	۱۸۱۹۴	سایر کشورها
۱۲۱/۱	۴۵/۲	۵۴/۸	۵۸۷۵۸۸	۷۱۱۳۰۶	۱,۲۹۸,۸۹۴	کل مهاجران

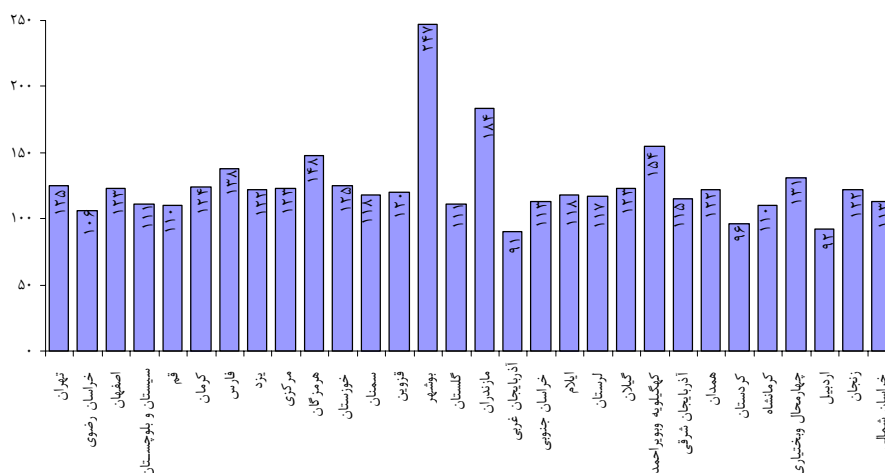
ایران را مردان و ۴۵/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بر این اساس، شاخص نسبت جنسی برای جمعیت مهاجر خارجی در ایران برابر با رقم ۱۲۱/۱ می‌باشد. این رقم بیش‌تر از رقم نسبت جنسی متعارف (حدود ۱۰۵) بوده و این تفاوت بیانگر حضور مسلط مردان در فرایند مهاجرتی به ایران است.

بررسی ترکیب جنسی مهاجران خارجی بر اساس وضعیت تابعیت بیانگر آن است که فقط ترکیب جنسی مهاجران کشور ترکمنستان، الگوی متعادل و برابری را نشان می‌دهد، بدین معنا که تعداد مردان و زنان مهاجر این کشور در ایران تقریباً مساوی هستند. الگوی ترکیب جنسی سایر گروه‌های مهاجر در ایران به غیر از مهاجران کشور آذربایجان، الگوی مهاجرتی مردگزين را نشان می‌دهد. این الگو برای مهاجران ارمنستان و به‌ویژه، مهاجران سایر کشورها بسیار چشم‌گیرتر بوده، به‌طوری که نسبت جنسی آن‌ها به‌ترتیب حدود ۱۵۲ و ۱۶۵ بوده است که بیانگر حضور ۶۰ درصدی مردان در مقایسه با حضور ۴۰ درصدی زنان مهاجر ارمنستانی و حضور ۶۲ درصدی مردان و ۳۸ درصدی زنان مهاجر از سایر کشورها در ایران می‌باشد. از این‌رو در جریان مهاجرتی کشورهای مذکور، مردان تسلط بیش‌تری داشته و مهاجرت‌های خانوادگی شیوع کم‌تری داشته است. بعد از این دو گروه، نسبت‌های

جنسی بالا به ترتیب به مهاجران پاکستانی (۱۳۱)، افغانستانی (۱۲۱)، ترکیه‌ای (۱۱۷) و عراقی (۱۱۳) مربوط می‌باشد.

از این‌رو، مهاجرت خارجی در ایران «تا اندازه‌ای جنس‌گزین و به نفع مردان» بوده است. بدین معنی که مردان تسلط بیشتری بر جریانات مهاجرتی به ایران داشته‌اند. در تقابل با این الگو، الگوی مهاجرتی زن‌گزین فقط در میان اتباع آذربایجانی دیده می‌شود. نسبت جنسی آن‌ها ۹۳/۶ (۵۲ درصد زن در مقایسه با ۴۸ درصد مرد) بوده که بیانگر حضور بیش‌تر زنان آذربایجانی در ایران است. در این زمینه می‌توان به مهاجرت‌های فردی زنان آذربایجانی به ایران و همچنین ازدواج آن‌ها با مردان ایرانی در مناطق آذری زبان کشور اشاره کرد.

بدین ترتیب، الگوی جنسی متعارف در مهاجران ترکمنستانی، الگوی مهاجرتی زن‌گزین در مهاجران آذربایجانی، و الگوی مهاجرتی مردگزین در میان بیش‌تر گروه‌های مهاجر خارجی یعنی مهاجران ارمنستانی، پاکستانی، افغانستانی، ترکیه‌ای، عراقی و مهاجرانی از سایر کشورها دیده می‌شود.



شکل ۲- نسبت جنسی مهاجران خارجی در ایران به تفکیک استان محل اقامت، ۱۳۸۵

بررسی ترکیب جنسی مهاجران خارجی در استان‌های مختلف کشور، الگوهای متفاوت جنسی را نشان می‌دهد که در شکل ۲ نمایش داده شده است. بر این اساس، بالاترین رقم نسبت جنسی به مهاجران خارجی ساکن در استان بوشهر با رقم ۲۴۷ مربوط می‌باشد. در این استان از تعداد جمعیت مهاجر خارجی، ۷۱/۲ درصد را مردان و ۲۸/۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. این ارقام بیانگر تسلط بیش‌تر مردان (۲/۵ برابر زنان) بر جریان مهاجرت خارجی به این استان می‌باشد. در مقابل، پایین‌ترین نسبت جنسی متعلق به مهاجران خارجی ساکن در استان آذربایجان غربی با رقم ۹۱ می‌باشد، بدین معنی که ۵۲/۵ درصد مهاجران خارجی در این استان را زنان و ۴۷/۵ درصد را مردان تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی، بررسی ترکیب جنسی مهاجران خارجی ساکن در استان‌های ایران، سه الگوی متفاوت زیر را نشان می‌دهد:

الف- الگوی ترکیب جنسی متعارف (بین ۱۰۰ تا ۱۱۰): این الگو فقط در سه استان کشور یعنی استان‌های خراسان رضوی (۱۰۶)، قم و کرمانشاه (۱۱۰) وجود داشته است. الگوی جنسی متعارف عمدتاً در قالب جریان مهاجرت‌های خانوادگی معمول می‌باشد. از این‌رو مهاجران خارجی ساکن در این استان‌ها به‌ویژه استان خراسان رضوی به‌صورت خانوادگی مهاجرت کرده و در حال حاضر نیز با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند.

ب- الگوی ترکیب جنسی غیر متعارف بالا (بالتر از رقم ۱۱۰): این الگو، الگوی مهاجرتی مسلط در ایران بوده و در دامنه‌ی وسیعی از استان‌های کشور (۲۴ استان) هرچند با نوساناتی ملاحظه می‌شود. این الگو در پنج استان بوشهر، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و فارس نمود بارزتری از سایر استان‌ها دارد.

ج- الگوی ترکیب جنسی غیر متعارف پایین (پایین‌تر از رقم ۱۰۰): این الگو در میان مهاجران خارجی ساکن در سه استان غربی کشور یعنی آذربایجان غربی (۹۱)، اردبیل و کردستان (۹۶) مشاهده می‌شود. در واقع، جریان‌های مهاجرتی زن‌گزین اغلب در استان‌های ترک و کرد زبان که بیش‌تر مهاجران غیر افغان حضور دارند، وجود دارد. یکی

جدول ۲- توزیع درصدی جمعیت مهاجر خارجی در گروه‌های بزرگ سنی برحسب تابعیت، ۱۳۸۵

تابعیت	توزیع درصدی جمعیت در گروه‌های بزرگ سنی		
	۰-۱۴	۱۵-۶۴	۶۵+
افغانستان	۴۰	۵۸	۲
عراق	۳۱	۶۵	۴
پاکستان	۳۶	۶۲	۲
ترکیه	۲۹	۶۸	۳
ترکمنستان	۳۵	۶۱	۴
آذربایجان	۲۶	۶۴	۱۰
ارمنستان	۲۴	۶۹	۷
سایر کشورها	۲۶	۷۱	۳
کل مهاجران	۳۹	۵۹	۲

از دلایل این وضعیت، وجود ازدواج‌های مختلط با زنان مهاجر خارجی و تمایل مردم این مناطق به برقراری ارتباط زناشویی با زنان کشورهای هم‌زبان مجاور می‌باشد. تحلیل دقیق‌تر موضوع نیازمند مطالعات جمعیتی- جامعه‌شناسی در این مناطق می‌باشد.

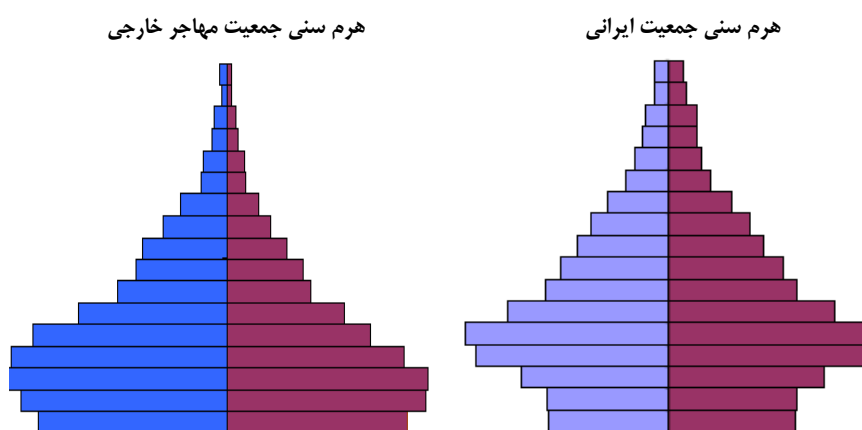
۳-۵- ساختار سنی مهاجران خارجی در ایران

ساختار سنی مشخصه‌ی بارز پویایی جمعیت محسوب می‌شود که در مطالعات جمعیت‌شناختی از جایگاه کلیدی و اساسی برخوردار است. بررسی ساختار سنی جمعیت مهاجر خارجی در ایران بیانگر ساختار جوان جمعیتی مهاجران خارجی می‌باشد. به‌طوری که ۳۹ درصد آن‌ها کمتر از ۱۵ سال سن دارند، ۵۹ درصد بین ۱۵ تا ۶۴ سالگی قرار دارند و ۲ درصد نیز ۶۵ ساله و بالاتر می‌باشند. البته همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد ساختار سنی گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران متفاوت می‌باشد.

علاوه بر توزیع جمعیت برحسب گروه‌های بزرگ سنی، در تحلیل‌های جمعیت‌شناختی از شاخص آماری میانه‌ی سنی نیز برای بررسی ساختار سنی جمعیت استفاده می‌کنند. در حقیقت، زمانی که بخواهیم وضعیت سنی جمعیت را با یک عدد بیان کنیم در این حالت میانه‌ی سنی نمایه‌ی خوبی می‌باشد. محاسبه‌ی شاخص میانه‌ی سنی برای مهاجران

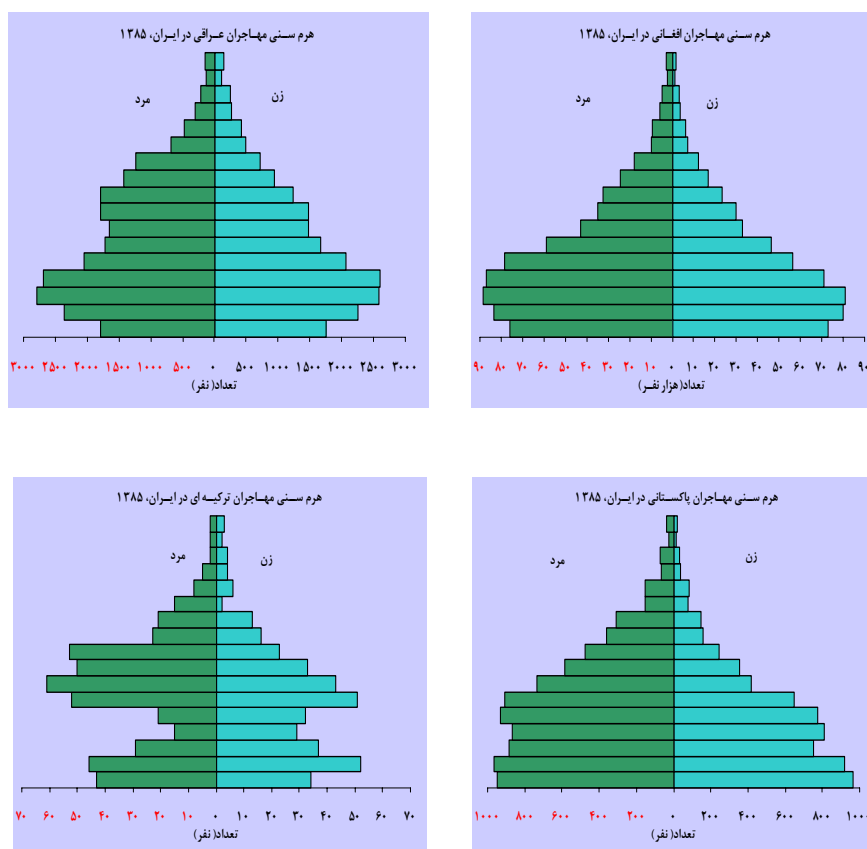
خارجی در ایران، رقم ۱۸ سال را نشان می‌دهد، بدین معنی که نیمی از جمعیت مهاجر خارجی در ایران کم‌تر از ۱۸ سال و نیمی دیگر بیش‌تر از ۱۸ سال سن دارند. با این حال گروه‌های مهاجر خارجی در ایران به لحاظ شاخص میانه‌ی سنی تفاوت معنی‌داری با همدیگر دارند. بالاترین میانه‌ی سنی به مهاجران کشورهای ارمنستان، ترکیه و سایر کشورها با ۲۸ سال تعلق داشته است و پایین‌ترین میانه‌ی سنی را اتباع افغانستانی با ۱۸ سال داشته‌اند. شاخص میانه‌ی سنی برای مهاجران آذربایجانی ۲۶ سال، عراقی ۲۳ سال، ترکمنستانی و پاکستانی ۲۰ سال بوده است.

مهاجران خارجی در ایران همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد در مقایسه با ساختار سنی جمعیت ایران، ساختار سنی جوان‌تری دارند. چنین ساختار سنی، فشارهایی را بر زیرساخت‌های جامعه از جمله بازار اشتغال در آینده‌ی نزدیک به همراه خواهد داشت. البته درصد جمعیت ۴-۰ ساله‌ی مهاجران خارجی نیز کاهش یافته که بیانگر الگوی در حال کاهش باروری در سال‌های اخیر در میان مهاجران خارجی و انطباق رفتار باروری آن‌ها با جامعه‌ی ایران می‌باشد.



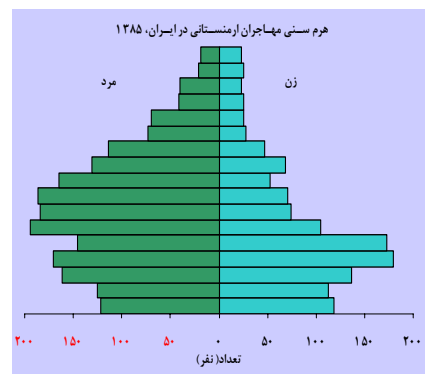
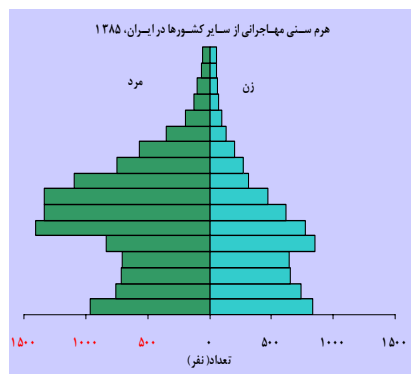
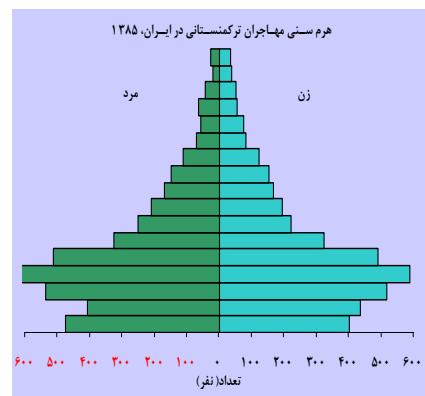
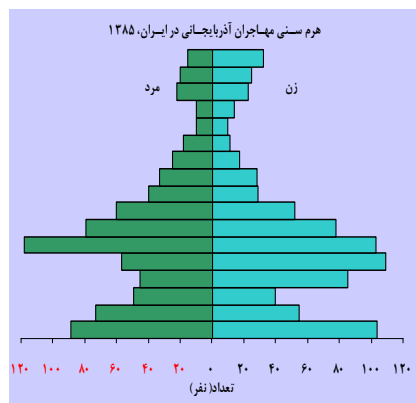
شکل ۳- مقایسه هرم‌های سنی جمعیت ایرانی و جمعیت مهاجر خارجی در سرشماری ۱۳۸۵

با توجه به این که مهاجران افغان حدود ۹۳ درصد جمعیت مهاجر خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند، ساختار و هرم سنی جمعیت مهاجران خارجی، بسیار متأثر از ساختار جمعیتی آن‌ها خواهد بود. برای برطرف نمودن این وضعیت و مقایسه‌ی ساختار سنی گروه‌های مختلف مهاجر به‌طور جداگانه به ترسیم هرم‌های سنی-جنسی برای آن‌ها پرداختیم که نتایج آن در شکل ۴ ارائه شده است.



شکل ۴- هرم‌های سنی-جنسی جمعیت گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران، ۱۳۸۵

هرم‌های سنی نشان می‌دهد که مهاجرت از کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق و تا حدودی ترکمنستان بیش‌تر به صورت خانوادگی بوده است، زیرا نوسانات در هرم سنی آن‌ها کم‌تر به چشم می‌خورد. در مورد سایر گروه‌های مهاجر، ساختار سنی جمعیت اتباع ترکیه و آذربایجان بیش‌تر در سنین میان‌سالی متمرکز بوده و هرم‌های سنی ارمنستان و سایر کشورها اولاً تسلط مردان و ثانیاً تمرکز بر سنین فعالیت را به تصویر می‌کشند.



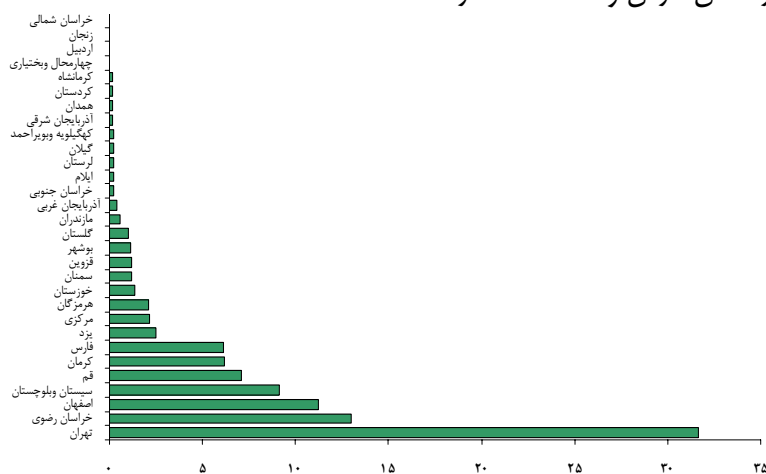
ادامه‌ی شکل ۴ - هرم‌های سنی-جنسی جمعیت گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران، ۱۳۸۵

۴-۵- توزیع و پراکندگی مهاجران خارجی در ایران

یکی دیگر از ابعاد مهم جمعیت‌شناختی مطالعه‌ی وضعیت مهاجران خارجی، بررسی توزیع و الگوی پراکندگی آن‌ها در داخل کشور می‌باشد. در این جا این موضوع را در قالب توزیع استانی و ترکیب شهری-روستایی مهاجران خارجی مورد بررسی قرار داده‌ایم که نتایج آن به‌صورت زیر می‌باشد.

۱-۴-۵- توزیع و پراکندگی استانی مهاجران خارجی

بررسی توزیع استانی مهاجران خارجی در ایران نشان می‌دهد که بیش‌ترین تعداد مهاجران خارجی در استان تهران و کم‌ترین آن در استان خراسان شمالی ساکن بوده‌اند. استان تهران به تنهایی حدود یک سوم مهاجران خارجی را در خود جای داده است. در این ارتباط همان‌طور که شکل‌های ۵ و ۶ نشان می‌دهند، حدود ۳۲ درصد مهاجران خارجی در استان تهران، ۱۳ درصد در استان خراسان رضوی، ۱۱/۲ درصد در استان اصفهان، ۹/۲ درصد در استان سیستان و بلوچستان، ۷/۱ درصد در استان قم، ۶/۲ درصد در استان کرمان، ۶/۱ درصد در استان فارس و ... اقامت دارند.

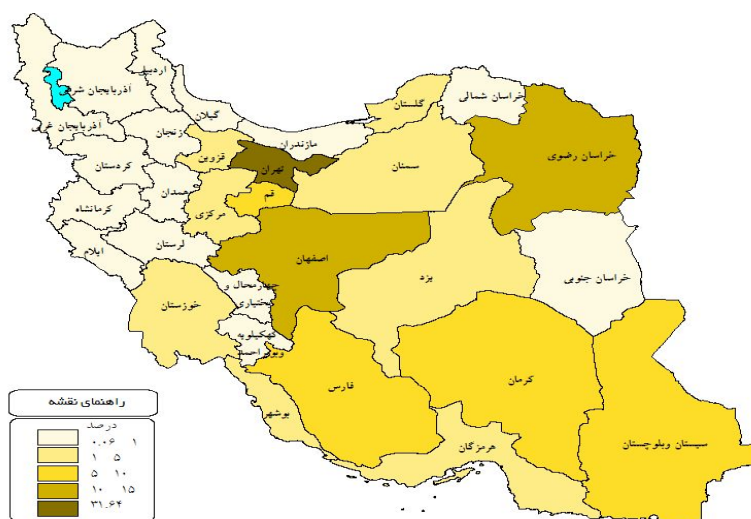


شکل ۵- توزیع درصدی جمعیت مهاجر خارجی در ایران برحسب استان، ۱۳۸۵

بر این اساس مهاجران خارجی بیش‌تر در هفت استان مذکور تمرکز داشته‌اند. این استان‌ها جمعاً ۸۴ درصد مهاجران را در خود جای داده‌اند. ۱۳ درصد مهاجران نیز در هشت استان یزد، مرکزی، هرمزگان، خوزستان، سمنان، قزوین، بوشهر و گلستان ساکن بوده‌اند و ۳ درصد مابقی در ۱۵ استان دیگر کشور اقامت داشته‌اند.

بدین ترتیب، همان‌طور که شکل ۶ نیز نشان می‌دهد، مهاجران خارجی در ایران از تمرکز جغرافیایی محسوسی برخوردارند. به‌طوری که جمعیت مهاجر خارجی عمدتاً در پایتخت کشور یعنی استان تهران ساکن هستند. پس از آن بیش‌تر در استان‌های شرقی و مرکزی کشور متمرکز می‌باشند. در مقابل، حجم مهاجران خارجی در استان‌های غربی و شمالی کشور کم‌تر بوده است.

علاوه بر این‌ها، نتایج بررسی ترکیب گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در هر کدام از استان‌های ایران، که در جدول ۳ منعکس شده است، بیانگر الگوها و ترکیب متفاوت حضور گروه‌های مهاجر خارجی در استان‌های ایران می‌باشد. در نیمی از استان‌های کشور



شکل ۶- نقشه‌ی توزیع و پراکندگی جمعیت مهاجران خارجی در ایران، ۱۳۸۵

بیش از ۹۰ درصد جمعیت مهاجر خارجی ساکن در آن‌ها را مهاجران افغان تشکیل می‌دهد. این استان‌ها به ترتیب شامل استان‌های کرمان (۹۸٪)، سمنان، گلستان، اصفهان، تهران، مرکزی، قزوین، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، فارس، هرمزگان، یزد، مازندران و کهگیلویه و بویراحمد (۹۰٪) می‌باشند. در مقابل، کم‌ترین سهم مهاجران افغان از کل جمعیت مهاجر خارجی در استان‌های غربی کشور نظیر ایلام (۱۳٪)، آذربایجان غربی (۲۹/۵٪)، کرمانشاه (۴۱/۶٪)، کردستان (۴۲/۳٪) و لرستان (۴۶/۶٪) بوده است. در مقابل در استان‌های غربی، سهم مهاجران عراقی بیش‌تر بوده است. حدود ۷۷ درصد مهاجران خارجی ساکن در استان ایلام را مهاجران عراقی تشکیل می‌دهند. بعد از این استان، به ترتیب، استان‌های آذربایجان غربی (۵۲٪)، خوزستان (۴۱/۴٪)، کرمانشاه (۴۰/۸٪)، لرستان (۳۷/۴٪) و کردستان (۳۲/۸٪) سهم محسوسی از جمعیت خارجی‌شان را مهاجران عراقی تشکیل می‌داده است. کم‌ترین سهم عراقی‌ها از کل مهاجران در استان‌های سیستان و بلوچستان (۳/۰ درصد) و کرمان (۳/۰ درصد) دیده می‌شود.

در مورد مهاجران پاکستانی بیش‌ترین سهم جمعیتی آن‌ها از کل جمعیت مهاجر خارجی در استان‌های قم (۳/۹٪) و سیستان و بلوچستان (۳/۸٪) و کم‌ترین آن در استان‌های گلستان و خراسان جنوبی (هر کدام با ۲/۰ درصد) مشاهده می‌شود. در مورد مهاجران کشور ترکیه بیش‌ترین سهم جمعیتی آن‌ها از کل جمعیت مهاجر خارجی به استان‌های آذربایجان شرقی (۳/۱٪)، آذربایجان غربی (۱/۸٪) و زنجان (۱/۸٪) تعلق دارد. در مقابل در چهار استان کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و خراسان جنوبی سهم این دسته از مهاجران صفر می‌باشد.

سهم مهاجران ترکمنستانی از کل مهاجران بیش‌تر از همه در استان‌های گیلان (۲۱٪)، زنجان (۱۶/۲٪)، همدان (۱۴٪) و اردبیل (۱۲/۸٪) چشم‌گیر می‌باشد. در مقابل کم‌ترین سهم این دسته از مهاجران به استان قم (۰/۱٪) مربوط می‌شود. سهم مهاجران کشور آذربایجان نیز از کل مهاجران در استان‌های اردبیل (۵/۳٪) و آذربایجان شرقی (۳/۲٪) بیش‌تر از سایر استان‌ها بوده و در مقابل، در استان‌های سمنان، یزد و خراسان جنوبی (هر کدام با ۰/۳ درصد) کم‌تر بوده است. ترکیب مهاجران ارمنستانی در استان‌های کشور نشان می‌دهد که بیش‌ترین سهم این دسته از مهاجران از کل جمعیت

مهاجر خارجی به ترتیب به استان‌های زنجان (۵/۱٪)، همدان (۴/۹٪) و اردبیل (۴٪) تعلق دارد، در مقابل کم‌ترین سهم آن‌ها مربوط به استان قم (۰/۳ درصد) می‌باشد. در مورد آن دسته از مهاجرانی که از سایر کشورها (غیر از کشورهای مذکور) بوده‌اند، یافته‌های جدول ۴ گویای این واقعیت است که بیش‌ترین سهم این دسته مهاجران از کل جمعیت مهاجر خارجی در استان‌های بوشهر (۱۳/۷٪)، زنجان (۱۰/۱٪)، چهارمحال و بختیاری (۱۰/۱٪)، همدان (۱۰٪) و خراسان شمالی (۸/۹٪) بوده و کم‌ترین سهم آن‌ها به استان‌های کرمان، سمنان و یزد هر کدام با ۰/۴ درصد تعلق داشته است. بدین ترتیب، توزیع و ترکیب جغرافیایی مهاجران خارجی در سطح استان‌های مختلف کشور، از یک سو، تابع امکانات و فرصت‌های شغلی استان‌ها، و از سوی دیگر، تابع ساختار اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و مجاورت با کشورهای مبدأ مهاجران می‌باشد.

۲-۴-۵- توزیع شهری- روستایی مهاجران خارجی

توزیع جغرافیایی مهاجران خارجی در سطح کشور را می‌توان از بعد دیگری یعنی با توجه به نحوه‌ی اسکان آن‌ها در مناطق شهری و روستایی مورد بررسی قرار داد. در این ارتباط نتایج بررسی نشان می‌دهد که ۷۲/۲ درصد مهاجران خارجی در مناطق شهری و ۲۷/۸ درصد در مناطق روستایی ایران ساکن هستند. بر این اساس حدود سه چهارم مهاجران خارجی در نقاط شهری ایران اقامت دارند. البته، میزان‌های شهرنشینی مهاجران خارجی ساکن در استان‌های مختلف ایران متفاوت بوده است. بالاترین میزان شهرنشینی به مهاجران خارجی ساکن در استان قم با ۸۸ درصد و پایین‌ترین آن به مهاجران خارجی ساکن در استان زنجان با ۴۱ درصد تعلق داشته است. علاوه بر این، توزیع شهری- روستایی جمعیت گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران متفاوت است، به‌طوری که بالاترین میزان شهرنشینی مهاجران خارجی به اتباع ترکیه با ۹۰ درصد تعلق دارد و پایین‌ترین این شاخص در بین مهاجران ارمنستانی با رقم ۶۳ درصد مشاهده می‌شود. (شکل ۷)

جدول ۳- ترکیب مهاجران خارجی بر حسب استان، ۱۳۸۵

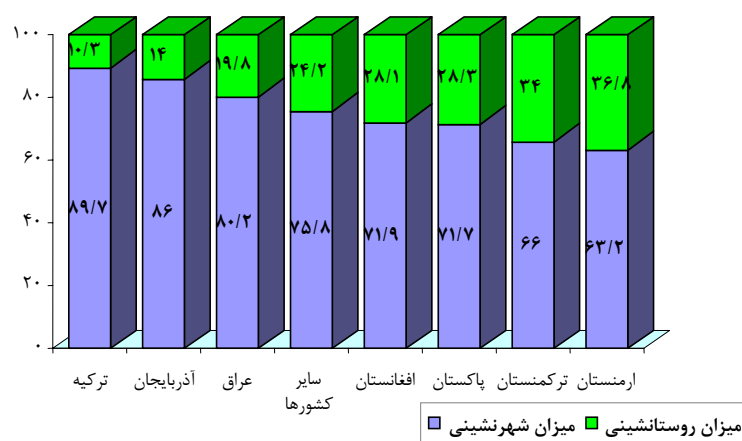
استان	افغانستان	عراق	پاکستان	بنگلادش	ترکمنستان	آذربایجان	ارمنستان	کشورهای آسیای میانه	آذربایجان	جمع	
										%	تعداد
مرکزی	۹۵/۷	۲/۱	۰/۳	۰/۰۳	۰/۷	۰/۱	۰/۲	۰/۶	۰/۲	۱۰۰	۲۷۹۶۹
گیلان	۶۲/۶	۴/۴	۰/۸	۰/۱	۲۱/۰	۰/۹	۲/۲	۷/۹	۰/۲	۱۰۰	۲۶۶۶
مازندران	۹۰/۱	۲/۱	۰/۵	۰/۱	۲/۱	۰/۳	۱/۴	۳/۰	۰/۳	۱۰۰	۷۱۸۷
آذربایجان شرقی	۶۶/۶	۴/۰	۱/۳	۳/۱	۸/۷	۳/۲	۳/۲	۸/۳	۱/۶	۱۰۰	۲۵۳۱
آذربایجان غربی	۳۹/۵	۵۲/۰	۱/۰	۱/۸	۹/۲	۰/۶	۲/۱	۳/۴	۰/۴	۱۰۰	۵۳۴۴
کرمانشاه	۴۱/۶	۴۰/۸	۲/۲	۰/۱	۴/۹	۰/۶	۳/۶	۶/۱	۰/۱	۱۰۰	۱۹۴۹
خوزستان	۵۰/۳	۴۱/۴	۱/۳	۰/۰۳	۱/۵	۰/۳	۱/۲	۳/۳	۰/۶	۱۰۰	۱۸۰۳۷
فارس	۹۳/۸	۳/۱	۰/۶	۰/۰۲	۰/۵	۰/۱	۰/۳	۱/۰	۰/۵	۱۰۰	۷۹۸۵۰
کرمان	۷۹/۹	۰/۳	۰/۴	۰/۰۱	۰/۵	۰/۰۵	۰/۳	۰/۴	۰/۱	۱۰۰	۷۹۹۵۳
خراسان رضوی	۹۵/۲	۲/۶	۱/۱	۰/۰۱	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۵	۰/۱	۱۰۰	۱۶۸۶۷۱
اصفهان	۹۶/۷	۱/۸	۰/۴	۰/۰۱	۰/۳	۰/۰۴	۰/۱	۰/۶	۰/۰۴	۱۰۰	۱۴۵۸۴۳
سیستان و بلوچستان	۹۴/۰	۰/۳	۳/۸	۰/۰۱	۰/۳	۰/۱	۰/۳	۰/۷	۰/۵	۱۰۰	۱۱۸۹۳۹
کردستان	۴۲/۳	۳۲/۸	۲/۰	۰/۳	۹/۸	۰/۷	۳/۶	۷/۸	۰/۶	۱۰۰	۲۰۶۷
همدان	۶۳/۳	۴/۴	۱/۷	۰/۳	۱۴/۰	۰/۸	۴/۹	۱۰/۰	۰/۶	۱۰۰	۲۱۹۶
چهارمحال و بختیاری	۶۷/۴	۴/۴	۱/۵	۰	۱۱/۶	۰/۳	۳/۷	۱۰/۱	۰/۹	۱۰۰	۸۶۳
لرستان	۴۶/۶	۳۷/۴	۱/۰	۰/۱	۵/۹	۰/۶	۲/۸	۵/۴	۰/۲	۱۰۰	۲۶۸۴
ایلام	۱۳/۰	۷۶/۸	۱/۳	۰/۰۴	۲/۴	۰/۳	۰/۹	۳/۸	۱/۴	۱۰۰	۲۸۴۶
کهگیلویه و بویراحمد	۸۹/۶	۱/۴	۰/۶	۰	۳/۳	۰/۲	۱/۲	۳/۰	۰/۶	۱۰۰	۲۶۳۲
بوشهر	۸۳/۴	۰/۱	۰/۴	۰/۰۱	۰/۳	۰/۱	۰/۲	۱۳/۷	۰/۹	۱۰۰	۱۴۵۸۹
زنجان	۵۴/۴	۹/۶	۱/۱	۱/۸	۱۶/۲	۰/۹	۵/۱	۱۰/۱	۰/۸	۱۰۰	۸۴۵
سمنان	۹۷/۶	۱/۱	۰/۳	۰/۰۱	۰/۳	۰/۰۳	۰/۱	۰/۴	۰/۲	۱۰۰	۱۵۳۱۹
یزد	۹۲/۴	۶/۲	۰/۴	۰/۰۰	۰/۳	۰/۰۳	۰/۱	۰/۴	۰/۲	۱۰۰	۳۲۱۵۴
هرمزگان	۹۳/۸	۰/۵	۱/۸	۰/۰۳	۰/۴	۰/۱	۰/۳	۲/۸	۰/۲	۱۰۰	۲۷۳۷۱
تهران	۹۶/۲	۱/۴	۰/۵	۰/۱	۰/۵	۰/۱	۰/۲	۱/۱	۰/۱	۱۰۰	۴۱۰۹۵۱

ادامه‌ی جدول ۳ - ترکیب مهاجران خارجی بر حسب استان، ۱۳۸۵

استان	افغانستان	عراق	پاکستان	ترکیه	ترکمنستان	آذربایجان	ارمنستان	سایر کشورها	افغان پناهنده	جمع	
										%	تعداد
اردبیل	۶۰/۲	۶/۲	۲/۹	۰/۷	۱۲/۸	۵/۳	۴/۰	۷/۹	۰	۱۰۰	۸۵۷
قم	۸۱/۲	۹/۸	۳/۹	۰/۳	۰/۱	۰/۴	۰/۰۳	۴/۴	۰/۰۲	۱۰۰	۹۲۳۶۹
خراسان شمالی	۷۲/۷	۴/۶	۰/۷	۰	۹/۱	۰/۱	۳/۱	۸/۹	۰/۸	۱۰۰	۷۶۶
خراسان جنوبی	۹۵/۳	۰/۹	۰/۲	۰	۱/۵	۰/۰۳	۰/۷	۱/۳	۰/۰۳	۱۰۰	۳۰۵۴
گلستان	۹۶/۹	۱/۰	۰/۲	۰/۰۲	۰/۷	۰/۰۵	۰/۲	۰/۹	۰/۰۵	۱۰۰	۱۳۰۹۸
قزوین	۹۵/۵	۱/۷	۰/۳	۰/۱	۰/۹	۰/۲	۰/۲	۰/۸	۰/۲	۱۰۰	۱۵۳۴۹
جمع	۹۲/۹	۳/۴	۱/۱	۰/۱	۰/۶	۰/۱	۰/۳	۱/۴	۰/۲	۱۰۰	۱۳۹۸۱۴۹

۵-۵- الگوهای مهاجرتی اتباع خارجی در ایران

یکی از ابعاد مورد بررسی در مطالعه‌ی وضعیت جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی، پویایی مهاجرتی و الگوهای آن می‌باشد. در این‌جا این موضوع بر اساس دو الگوی مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر (دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵) بررسی می‌شود.



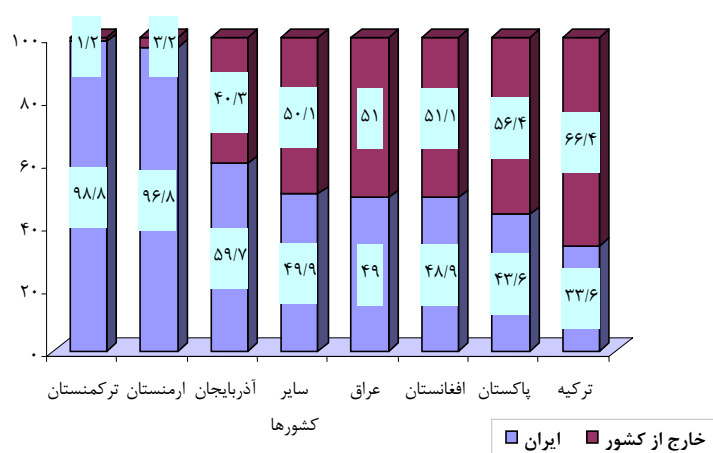
شکل ۷- میزان شهرنشینی و روستائیشینی مهاجران خارجی در ایران بر حسب تابعیت، ۱۳۸۵

..... گزیده‌مطالب آماری، سال ۲۰، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۴۱-۷۳

۱-۵-۵- الگوی مهاجرتی طول عمر

با استفاده از شاخص محل تولد می‌توان به بررسی مهاجرت افراد از بدو تولد یا الگوی مهاجرت طول عمر که از موضوعات مهم مطالعات جمعیتی است، پرداخت. بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، محل تولد ۸۸۱,۵۵۹ نفر خارج از کشور بوده و به عبارتی به‌عنوان جمعیت مهاجر خارجی طول عمر قلمداد می‌شوند. لازم به ذکر است که از این تعداد ۲۶ درصد تابعیت ایرانی و ۷۴ درصد تابعیت خارجی داشته‌اند.

بررسی محل تولد جمعیت مهاجر خارجی در ایران بیانگر آن است که محل تولد فقط نیمی از آن‌ها (۵۰/۴ درصد)، خارج از کشور بوده است و نیمی دیگر در ایران متولد شده‌اند. از این‌رو بخش قابل توجهی (۴۹/۶٪) از جمعیت مهاجر خارجی در ایران، را نسل‌های دوم و سوم مهاجران تشکیل می‌دهد. این نکته دال بر این واقعیت است که مهاجرت خارجی در ایران، پدیده‌ی جدیدی نیست. حدود ۹۹ درصد اتباع ترکمنستانی، محل تولدشان ایران بوده و فقط یک درصد آن‌ها در خارج از ایران متولد شده‌اند. همچنین حدود ۹۷ درصد اتباع ارمنستانی نیز در داخل ایران به دنیا آمده‌اند. این پدیده یعنی تولد در ایران، برای اتباع آذربایجانی حدود ۶۰ درصد، اتباع سایر کشورها ۵۰ درصد، اتباع عراقی و افغانستانی ۴۹ درصد، اتباع پاکستانی ۴۳/۶ درصد و اتباع ترکیه‌ای ۳۳/۶ درصد بوده است.



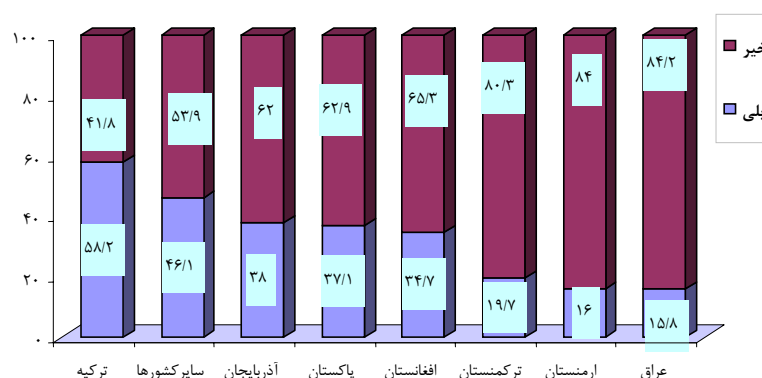
شکل ۸- توزیع درصدی محل تولد مهاجران خارجی در ایران بر اساس تابعیت، ۱۳۸۵

بر این اساس، اتباع ترکمنستانی و ارمنستانی از قدمت اقامتی بیش‌تری در ایران برخوردارند و در مقابل اتباع ترکیه نسبت به سایر اتباع خارجی، طول‌مدت اقامت کم‌تری در ایران داشته‌اند.

همچنین، از ۴۹/۶ درصد جمعیت مهاجر خارجی که در ایران متولد شده‌اند، ۴۱ درصد در شهر یا آبادی محل تولد خود ساکن بوده‌اند و ۸/۲ درصد در شهر یا آبادی متفاوت از محل تولد خود سکونت داشته‌اند. از این‌رو، ۵۹ درصد مهاجران خارجی در ایران تجربه‌ی الگوی مهاجرتی طول عمر خارجی (۵۰ درصد) و داخلی (۹ درصد) داشته‌اند.

۲-۵-۵- الگوی مهاجرتی اخیر

یکی دیگر از ابعاد مورد بررسی در مطالعات مهاجرتی، بررسی الگوی مهاجرتی اخیر یعنی در طول دوره‌ی ده ساله‌ی قبل از سرشماری می‌باشد. بر این اساس، در این مطالعه تغییر محل اقامت یک دهه‌ی قبل از سرشماری یعنی از آبان ماه ۱۳۷۵ تا آبان ماه ۱۳۸۵ مهاجران خارجی حاضر یا غایب موقت در خانوار بررسی شده است. نتایج بررسی نشان داد که در طول دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ تعداد ۴۳۷,۱۸۹ نفر یا به عبارتی حدود ۳۴ درصد مهاجران



شکل ۹- تغییر محل اقامت مهاجران خارجی در طول دهه‌ی گذشته ۸۵-۱۳۷۵ برحسب تابعیت

جدول ۴- محل اقامت قبلی مهاجران خارجی که در دهه‌ی ۷۵-۸۵ تغییر محل اقامت داشته‌اند

محل اقامت قبلی		تعداد	درصد
درون استانی	درون شهرستانی	۵۲۲۷	۱۳/۲
	آبادی	۶۱۳۳	۱۵/۵
	شهر	۴۶۱۰	۱۱/۶
	آبادی	۷۶۲	۱/۹
برون استانی	شهر	۶۴۸۹	۱۶/۴
	آبادی	۷۸۸	۲/۰
خارج از کشور		۱۵۶۴۸	۳۹/۵
تعداد نمونه		۳۹۶۵۷	۱۰۰/۰

خارجی در ایران، تجربه‌ی الگوی مهاجرتی اخیر یعنی جابه‌جایی و تغییر محل اقامت (شهر، آبادی، استان و کشور) داشته‌اند. این تجربه در میان گروه‌های مختلف مهاجر خارجی متفاوت بوده است و در طول دهه‌ی قبل از سرشماری ۱۳۸۵ مهاجران ترکیه‌ای بیش‌ترین و مهاجران عراقی کم‌ترین جابه‌جایی و تغییر محل اقامت را داشته‌اند.

علاوه بر مدت زمان اقامت در مکان جدید، از افرادی که در طول دهه‌ی قبل از سرشماری محل اقامت خود را تغییر داده بودند، به‌صورت نمونه‌گیری با تعداد ۳۹,۶۵۷ نفر مصاحبه و در مورد محل اقامت قبلی آن‌ها سؤال شد که نتایج آن به‌صورت جدول ۴ می‌باشد.

بر این اساس، از افراد مورد بررسی حدود ۶۰ درصد تجربه‌ی الگوی مهاجرتی اخیر از نوع داخلی آن داشته‌اند، یعنی در داخل کشور محل اقامت خود را تغییر داده‌اند. در میان این دسته از افراد ۳۰ درصد مهاجر بین استانی و ۷۰ درصد مهاجر درون استانی بوده‌اند. همچنین محل اقامت قبلی ۶۸ درصد شهر و ۳۲ درصد روستا یا آبادی بوده است. علاوه بر جابه‌جایی داخلی، محل اقامت قبلی حدود ۴۰ درصد مهاجران خارجی که محل اقامت خود را در دهه‌ی قبل از سرشماری ۱۳۸۵ تغییر داده‌اند، خارج از کشور بوده است. به

عبارتی این افراد در طول دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ به ایران مهاجرت کرده‌اند. برخی از مشخصه‌های این دسته از مهاجران خارجی به‌صورت زیر می‌باشد:

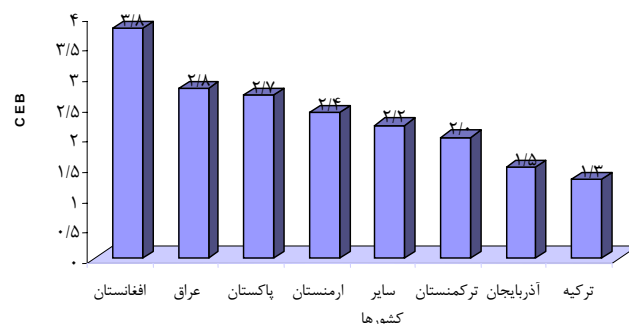
- ۹۵/۸ درصد مهاجرت‌های خارجی اخیر به ایران از افغانستان، ۱/۹ درصد از سایر کشورها، ۱/۵ درصد از پاکستان، ۰/۶ درصد از عراق و ۰/۲ درصد مابقی از کشورهای آذربایجان، ترکیه، ترکمنستان و ارمنستان بوده است.
- ۶۲/۷ درصد مهاجران خارجی اخیر به ایران را مردان و ۳۷/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و نسبت جنسی آن‌ها رقم ۱۶۸/۱ است؛ ۶۵ درصد مهاجران خارجی اخیراً وارد شده به ایران بی‌سواد و ۳۵ درصد باسواد هستند؛ ۶۰ درصد مهاجران خارجی اخیر به ایران را افراد متأهل و ۴۰ درصد را افراد مجرد تشکیل می‌دهند؛ ۷۱ درصد مهاجران اخیر به ایران افراد ۶۴-۱۵ ساله، ۲۷ درصد زیر ۱۵ سال و ۲ درصد ۶۵ ساله و بیش‌تر سن داشته‌اند.
- علت مهاجرت‌های اخیر به ایران برای مردان ۵۰/۶ درصد جستجوی کار، ۹ درصد جستجوی کار بهتر، ۰/۷ درصد تحصیل، ۲۵/۷ درصد تبعیت از خانواده و ۱۳/۱ درصد سایر علل بوده است. در مورد زنان این علل شامل ۷۸ درصد تبعیت از خانواده، ۴ درصد جستجوی کار، ۱ درصد جستجوی کار بهتر، ۰/۶ درصد تحصیل و ۱۵/۳ درصد سایر علل بوده است.
- ۳۷ درصد مهاجران خارجی اخیر به ایران در استان تهران، ۱۶/۲ درصد در اصفهان، ۸/۵ درصد در فارس، ۶/۹ درصد در هرمزگان، ۵/۵ درصد در کرمان، ۴/۲ درصد در بوشهر، ۴/۲ درصد در خراسان رضوی، ۴/۱ درصد در یزد، ۴ درصد در گلستان، ۳/۹ درصد در قم، ۳/۹ درصد در سیستان و بلوچستان و ۱/۶ درصد در سایر استان‌های کشور اقامت گزیده‌اند.

۵-۶- رفتار باروری مهاجران خارجی در ایران

باروری به‌عنوان یک رفتار اجتماعی در محیط و بستر اجتماعی- فرهنگی خاصی حادث می‌شود و تنظیمات نهادی و روابط اجتماعی اعضای جامعه می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای

مرتبط با رفتار باروری را تنظیم کند. یکی از حوزه‌های مطالعات باروری به‌ویژه باروری افتراقی، بررسی رفتار باروری مهاجران خارجی می‌باشد. بر این اساس، در این بخش از مقاله، به بررسی رفتار باروری ۱۸,۷۳۵ زن ازدواج کرده‌ی ۱۵-۴۹ ساله‌ی مهاجر خارجی در ایران (که به‌صورت نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند) بر اساس شاخص «تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده» (Children Even Born) پرداخته است.

بررسی توزیع تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده‌ی زنان خارجی در ایران نشان می‌دهد که ۱۴/۳ درصد زنان هیچ فرزندی تا زمان سرشماری ۱۳۸۵ به دنیا نیاورده‌اند، ۱۶/۸ درصد یک فرزند، ۱۶/۱ درصد دو فرزند، ۱۳/۷ درصد سه فرزند، ۱۱/۵ درصد چهار فرزند، ۹/۵ درصد پنج فرزند، ۷/۱ درصد شش فرزند، ۴/۴ درصد هفت فرزند، ۳/۳ درصد هشت فرزند، ۱/۶ درصد نه فرزند و ۱/۸ درصد ده فرزند و بیش‌تر تا زمان بررسی (آبان‌ماه ۱۳۸۵) به دنیا آورده‌اند. بدین ترتیب، میانگین فرزندزایی زنان مهاجر خارجی متأهل ۴۹-۱۵ ساله تا زمان بررسی، ۳/۶ و انحراف معیار آن ۲/۸ بچه بوده است. به عبارتی آن‌ها تا زمان بررسی به‌طور متوسط ۳/۶ بچه به دنیا آورده‌اند. با توجه به این‌که شاخص CEB تحت تأثیر ساختار سنی می‌باشد و دارای یک ارزش تراکمی است، بررسی وضعیت باروری زنان مهاجر خارجی در پایان سنین فرزندآوری (گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله) نشان می‌دهد که متوسط باروری کامل‌شده‌ی زنان خارجی در ایران حدود ۶ فرزند می‌باشد. به نظر می‌رسد



شکل ۱۰- میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله‌ی مهاجر خارجی برحسب تابعیت، ۱۳۸۵

که با توجه به الگوی باروری بالای زنان افغان، اعلام تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده با کم‌بروردی همراه بوده است.

بررسی رفتار باروری گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران نیز بیانگر وجود تفاوت‌های محسوس و معنی‌دار آماری در این زمینه می‌باشد ($F = ۸/۶۸۳$ و $Sig = ۰/۰۰۰$). بر این اساس، همان‌طور که شکل ۱۰ نشان می‌دهد بالاترین سطح باروری (شاخص CEB) را مهاجران افغان و پایین‌ترین آن را مهاجران ترکیه‌ای داشته‌اند. بخشی از تفاوت‌های باروری به الگوهای متفاوت باروری گروه‌های مهاجر و بخشی نیز به ساختار سنی متفاوت زنان در سنین باروری بر می‌گردد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پایه و اساس سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی، داده‌ها و تحلیل‌های مهاجرتی می‌باشد. در حقیقت وجود داده‌های خوب و تحلیل‌های مناسب، نقش کلیدی و محوری در فرایند سیاست‌گذاری مهاجرتی ایفا می‌کند. بر این اساس، این مقاله به شناخت و بررسی یکی از ابعاد و مشخصه‌های مهاجران خارجی در جامعه‌ی ایران یعنی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن‌ها بر مبنای تحلیل داده‌های خام سرشماری ۱۳۸۵ پرداخته است. نتایج بررسی نشان داد که در سال ۱۳۸۵، تعداد ۱ میلیون و ۳۰۴ هزار و ۱۶ نفر مهاجر (تبعه) خارجی در ایران وجود داشته که برابر با ۱/۸۴ درصد جمعیت ایران می‌باشد. حدود ۹۳ درصد مهاجران خارجی در ایران را مهاجران افغان تشکیل می‌دهند. این وضعیت، ویژگی‌ها و ساختار مهاجران خارجی در ایران را در سطح کلی بسیار متأثر از خود ساخته و عمدتاً وضعیت کلی مهاجران خارجی در ایران تصویری انعکاسی از وضعیت مهاجران افغان است. با توجه به این شرایط و برای تحلیل دقیق‌تر و شناخت بیشتر، به بررسی تحلیلی-تطبیقی مشخصه‌های جمعیتی گروه‌های مختلف مهاجر خارجی پرداختیم. نتایج نشان داد که گروه‌های مختلف مهاجر خارجی در ایران از بافت و ترکیب جمعیت‌شناختی متفاوتی برخوردارند.

بر مبنای یافته‌های بررسی، مهاجرت مردگزين یکی از ویژگی‌های بارز اغلب جریانات مهاجرتی به ایران می‌باشد. همچنین، مهاجران خارجی دارای سطح باروری بالا و ساختار سنی جوان‌تری از جمعیت بومی می‌باشند. البته گرچه مهاجران ساختار جوان‌تری از جمعیت بومی دارند، ولی تعداد آن‌ها به اندازه‌ی کافی بزرگ نیست که اثر قابل ملاحظه‌ای بر ساختار سنی کل کشور داشته باشد. با این حال، چنین ساختار جوان و تمرکز جمعیت آن‌ها در سنین ۲۴-۱۰ سالگی (۳۸ درصد جمعیت مهاجر خارجی در ایران در سنین ۲۴-۱۰ سالگی قرار دارند) می‌تواند برای چند سال آینده تأثیراتی بر بازار اشتغال در ایران و زیرساخت‌های جامعه به همراه داشته باشد. همچنین، با توجه به حجم زیاد جوانان نسل دوم، ازدواج و باروری این نسل می‌تواند فشارها و تقاضاهایی برای نظام آموزشی و بهداشتی کشور در چند سال آینده به همراه داشته باشد.

علاوه بر این‌ها، نتایج بررسی نشان داد که ۷۲ درصد مهاجران خارجی در مناطق شهری ساکن هستند. مهاجران خارجی در ایران از تمرکز جغرافیایی محسوسی برخوردارند. یک سوم مهاجران خارجی در پایتخت کشور یعنی استان تهران ساکن هستند، پس از آن بیش‌تر در استان‌های شرقی و مرکزی کشور متمرکز می‌باشند. در مقابل، حجم مهاجران خارجی در استان‌های غربی و شمالی کشور کم‌تر می‌باشد. توزیع و ترکیب جغرافیایی مهاجران خارجی در سطح استان‌های مختلف کشور، از یک سو، تابع امکانات و فرصت‌های شغلی استان‌ها، و از سوی دیگر، تابع ساختار اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و مجاورت با کشورهای مبدأ مهاجران می‌باشد.

بدین ترتیب، با توجه به یافته‌ها و نتایج مذکور چند پیشنهاد سیاستی- اجرایی به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

- ۱- پیشنهاد اول در ارتباط با اجرای سرشماری‌های نفوس و مسکن برای سال‌های آینده است. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که در سرشماری‌های جمعیتی برخی اقلام مانند سال ورود، طول مدت اقامت، دلیل مهاجرت به ایران و برنامه‌ی بازگشت در مورد اتباع و مهاجران خارجی به‌صورت نمونه‌گیری مطرح و اطلاعات لازم در این زمینه‌ها گردآوری شود. زیرا همان‌طور که در مقاله اشاره شد مهم‌ترین منبع داده‌ای درباره‌ی مهاجران خارجی در ایران، سرشماری می‌باشد.

همچنین پیشنهاد می‌شود که هنگام تکمیل فرم‌های سرشماری جهت پوشش دقیق‌تر جمعیت اتباع خارجی و جلوگیری از اشتباهاتی نظیر خود را ایرانی معرفی کردن آن‌ها، سند یا مدرک درخواست شود.

۲- سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه‌ی مهاجرت خارجی بایستی مبتنی بر سیستم مدیریتی و کارشناسی باشد. در این راستا، تأسیس اداره‌ی مهاجرت و فعالیت آن در حوزه‌ی گردآوری داده‌ها و اطلاعات، حمایت از فعالیت‌های تحقیقاتی و سیاست‌گذاری مهاجرتی پیشنهاد می‌شود.

۳- حضور قابل توجه جمعیت نسل دوم مهاجران خارجی در ایران، انطباق و ماندگاری آن‌ها در کشور نیازمند توجه خاص به این نسل و نیازهای آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها می‌باشد. در این ارتباط، نگهداشت گزینشی تعدادی از این دسته مهاجران و دادن حقوق شهروندی به آن‌ها می‌تواند تصمیمی مناسب در عرصه‌ی سیاست‌گذاری باشد.

سپاس‌گزاری

این مقاله برگرفته از یافته‌های جمعیت‌شناختی طرح پژوهشی مصوب پژوهشکده‌ی آمار با عنوان «بررسی وضعیت مهاجران خارجی در ایران بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵» می‌باشد. بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از همکاری و حمایت‌های بی‌دریغ جناب آقای دکتر ترابی و خانم باقری در پژوهشکده‌ی آمار و آقای میرزامصطفی در مرکز آمار ایران اعلام می‌دارم.

مرجع‌ها

- [۱] احمدی موحد، محمد (۱۳۸۲). ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- [۲] اداره‌ی کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور (۱۳۸۷). اولین همایش علمی مهاجرت غیرمعارف. ۳۱ فروردین ماه ۱۳۸۷.

- [۳] پریوش، تکتیم (۱۳۸۲). مقایسه‌ی باروری مهاجرین افغان با ایرانی‌ها ساکن در گلشهر مشهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- [۴] جمشیدیها، غلامرضا؛ عنبری، موسی (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین. نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۳، صص ۴۳-۶۸.
- [۵] حکیمی، محمدهادی (۱۳۸۳). بررسی وضعیت حقوقی ازدواج مختلط افغانی با ایرانی. انتشارات نور علم.
- [۶] روکی، فاطمه (۱۳۸۳). وضعیت حقوق آوارگان افغانی در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۷] زارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۲). نقش مهاجرین عراقی ساکن شهر یزد در آسیب‌های اجتماعی. فصل‌نامه‌ی جغرافیا و توسعه، سال اول شماره‌ی ۲، صص ۵۷-۷۲.
- [۸] زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. انتشارات سمت، تهران.
- [۹] زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱). جمعیت و شهرنشینی در ایران. چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- [۱۰] صادقی، رسول (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مهاجران خارجی در ایران بر مبنای تحلیل داده‌های سرشماری ۱۳۸۵. گزارش طرح پژوهشی، پژوهشکده آمار.
- [۱۱] طالبیان، سید امیر (۱۳۷۲). مهاجران افغان و تغییر فرهنگی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- [۱۲] علاءالدینی، پویا؛ امامی، یحیی (۱۳۸۴). جهانی شدن، فقر و مهاجرت در ایران. فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸، صص ۱-۲۸.
- [۱۳] کریمی موغاری، زهرا (۱۳۸۳). تأثیر مهاجرین افغان بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره‌ی ۱۸، صص ۵۷-۸۸.
- [۱۴] لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. حسین محمودیان (مترجم)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۱۵] محمودی، محسن (۱۳۷۳). بررسی وفور و شیوع انگل‌های روده‌ای در جمعیت مهاجرین افغانی معاودین عراقی و ایرانیان ساکن اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد انگل‌شناسی پزشکی، دانشگاه تهران.

- [16] Abbasi-Shavazi, M.J.; Mahmoudian, H.; Farjadi, G.; Glazebrook, D.; Hosseini Chavoshi, M.; Saeidi, A.; Sadeghi, R. and Razeghi, H.B. (2007). *The State of International Migrants and Refugees In The Islamic Republic of Iran, 2006*, UNFPA& UNHCR, Unpublished report, Tehran.
- [17] Abbasi-Shavazi, M.J.; Glazebrook, D.; Jamshidiha, G.; Mahmoudian, H. and Sadeghi, R. (2008). *Second Generation Afghan in Iran: Integration, Identity and Return*, Afghanistan and Research Evaluation Research.
- [18] Castles, S; Miller, M. (2003). *The Age of Migration, 3rd edition*, MacMillan, London.
- [19] Coleman, D. (2006). Immigration and ethnic change in low fertility countries: A third demographic transition, *Population and Development Review*, **32**, 401-446.
- [20] Haug, W.; Compton, P. and Courbage, Y. (eds) (2002). The demographic characteristics of immigrant population, *Population Studies*, No. 38, Council of Europe Publishing.
- [21] Hugo, G. (1994). Migration and family, occasional papers series for the international year of the family: 12 (Vienna: United Nations).
- [22] Hugo, G. (2006). Improving statistics on international migration in asia, *International Statistical Review*, **74**, 335-355.
- [23] Kritz, M. M. (1987). International migration policies: conceptual problems. *International Migration Review*, **21**, 947-964.
- [24] Makhmalbaf, M. (2001). A limb for no one: The tragedy of Afghanistan. *Monthly Review*, Nov, 41-60.
- [25] Massey, D.S.; Arago, J.; Hugo, G.; Kouaouci, K.; Pellegrino, A. and Taylor, J.E. (1993). Theories of International Migration: A review and appraisal, *Population and Development Review* **19**, 431-466.
- [26] Massey, D.S.; Arago, J.; Hugo, G.; Kouaouci, K.; Pellegrino, A.; Taylor, J.E. (1998). *World in Motion: Understanding International Migration at the End of the Millennium*, Oxford University Press, Oxford.
- [27] Piran, P. (2004). Effects of social interaction between Afghans refugees and Iranians on reproductive health attitudes. *Disasters*, **28**, 283-293.
- [28] Skeldon, R. (1987). Migration and the population census in Asia and the Pacific: Issues, questions and debate. *International Migration Review*, **21**, 1074-1100.

رسول صادقی

دانشجوی دکترا جمعیت‌شناسی

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، جنب بیمارستان شریعتی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جمعیت‌شناسی

رایانشانی: rassadeghi@ut.ac.ir